

# هشدار! در مورد تخاصمات ایران و عربستان و مخاطرات آن

حزب کمونیست کارگری حکمتیست - خط رسمی

امروز بیش از هر زمانی سرنوشت مردم خاورمیانه به تخاصمات و توازن قوای دولتهای تا مغز استخوان ارتجاعی عربستان، قطر، ترکیه، سوریه و ایران و جریانات ارتجاعی قومی و مذهبی سپرده شده است. تخاصماتی که امنیت و زندگی مردم منطقه را با مخاطرات جدی روبرو کرده است. دوره اخیر و برمتن عقب نشینی ها و ناکامیهای دولتهای غربی در منطقه، در دل حمام خونی که به بهانه مبارزه با اسد راه انداختند، شاهد تشدید کشمکش میان دولتهای مرتجع منطقه بر سر موقعیت خود و تغییر توازن قوا به نفع خود هستیم.

امروز یمن، بحرین، عراق، سوریه، لبنان همه و همه میدان جدال بلوک عربستان سعودی، قطر و ترکیه از یکطرف و ایران و سوریه از طرف دیگر است. جدالی که در قالب جنگ شیعه و سنی، سلفی و غیر سلفی، در شکل تحریکات و موشدوانی ها علیه قطب مقابل، تلاش در سازماندهی انواع دستجات مسلح و کمک نظامی به احزاب و گروههای اپوزیسیون همدیگر در جریان است.

حمایت نظامی از حوثی ها و ..... با بیگذاری از یک طرف، و عربستان و ترکیه و قطر به نمایندگی سنی ها، با دامن زدن به سلفی گری و تسلیح مالی و انسانی داعش از طرف دیگر، در دوسوی این جدال قرار گرفته اند. امروز با محدود شدن میدان عملیات داعش، و با توجه به این واقعیت که سلفی های کردستان فعلا امکان سیاسی و نظامی وارد شدن در هیچ جنگی با جمهوری اسلامی را ندارند، دولت عربستان تلاش میکند که بر روی بخشی از اپوزیسیون جمهوری اسلامی ایران، سرمایه گذاری کند. همچون عملی باز کند. ... ←

وزیر اطلاعات جمهوری اسلامی باد در غبغب انداخته و اعلام کرده است ۶ تروریست را که می خواستند در مترو و نماز جمعه و دانشگاه ها ضربه وارد کنند شناسایی و دستگیر شدند.

این روزها از امریکا و اروپا تا خاورمیانه، خطر تروریسم و تعقیب و شکار تروریستها ورد زبان و در دستور اولیت بورژوازی حاکم است.

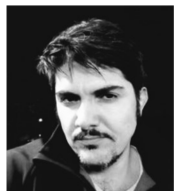
بورژوازی خالق و بانی تروریسم، خود ریاکارانه مدعی خطر تروریسم و مبارزه با ترور است. جمهوری اسلامی علاوه بر کشتارهای جمعی، در ترور مخالفین داخل و خارج کشور دست بالا را دارد. تنها در کردستان عراق بیش از ۱۰۰۰ نفر از اعضای سازمانها و یا فعالین سیاسی را ترور کرده است. در خارج کشور تروریهبران حزب دمکرات کردستان ایران تا کمونیستهایی چون غلام کشاورز را در پرونده اش دارد. اگر از ریاکاری دولتهای بورژوایی امریکا و متحدین اروپاییش بگذریم که به بهانه خطر تروریسم، امنیت را بهانه سرپوش نهادن بر تعرض به سطح معیشت طبقه کارگر و زحمتکشان جامعه و ساکت نگه داشتن این طبقه قرارداده اند، مبارزه با تروریسم از جانب وزیر اطلاعات جمهوری اسلامی دیگر پاک مسخره و یک بی شرمی محض است.

نقشه وزیر اطلاعات با شعار "داعش را گرفتیم"، سناریویی برای برجسته کردن مساله امنیت جامعه است. ترساندن مردم از سناریوهای لیبی و سوریه و یمن و بحرین است که خود و همپالگی های بین المللی شان بوجود آورده اند. جمهوری اسلامی خود بزرگ ترین عامل نا امنی جامعه است. ناامنی معیشتی، ناامنی آزادی و دخالت روزمره در زندگی مردم و به گروگان گرفتن نان سفره طبقه کارگر توسط باندهای مالی و اقتصادی و بارزگانی و انحصارات دولتی و نیمه دولتی و خصوصی است. صفحه ۳



## "داعش را گرفتیم؟"

مظفر مفاهری



## این گشتی از روز اول سوراخ بود!

فواد عبداللہی صفحه ۳

جمعه گذشته بخشی از ارتش ترکیه با به کنترل درآوردن رادیو و تلویزیون، فرودگاههای استانبول و آنکارا، و بستن پل ارتباطی بین دو بخش آسیا و اروپای استانبول، با اعلام کودتا موقتا کنترل در این کشور را بدست گرفت و اردوغان و دولت اش را ساقط شده اعلام کرد.

این کودتا در همان شب با به جای گذاشتن بیش از یکصد کشته، ناکام ماند و دولت اردوغان مجددا کنترل اوضاع را بدست گرفت و بخش خارج شده از کنترل در ارتش را دستگیر و وعده مجازات داده است... صفحه ۳

اطلاعه حزب کمونیست کارگری - حکمتیست (خط رسمی)

آزادی  
برابری  
حکومت کارگری

## هشدار! ...

به این امید که با حمایت از نیروهای اپوزیسیون ایرانی توازن قوا را به نفع خود تغییر دهد. روی آوری این دولت به حزب دمکرات کردستان ایران، شاخه مصطفی هجری و فرقه مجاهدین خلق، اولین نتیجه این تاکتیک دولت عربستان سعودی در رقابت با دولت ایران است.

فرقه مذهبی مجاهد، ظاهراً فرجه ای یافته تا یکبار دیگر از حاشیه به مرکز جدال قطبهای ارتجاعی پرتاب شود و نقشی ایفا کند. کنفرانس پاریس مجاهدین و سخنرانی حمایتی شاهزاده عربستان، مسئول سابق اطلاعات و امنیت این کشور، در این کنفرانس، ظاهراً پایان دوره انتظار مجاهد و شروع دور جدیدی است. دوره ای که مجاهد ارزش مصرفی برای شراکت در به تباهی کشاندن زندگی مردم پیدا کرده است. نقش مجاهد در این جدال نمیتواند چیزی بیش از ترور و عملیاتهای انتحاری و ... باشد. نقش و تحرکی که بیش از همه دست جمهوری اسلامی را در سرکوب مردم آزادیخواه باز خواهد کرد.

احزاب ناسیونالیست کرد، از ترکیه تا عراق و ایران، که سنتا و تاریخاً در شکافهای منطقه ای زندگی کرده و بنا به مصلحت روز در کنار یکی از دول ارتجاعی منطقه قرار گرفته اند، نیز امروز میان دو قطب ارتجاعی تقسیم شده و در مقابل هم جبهه بندی کرده اند. بخشی از آنها، از جمله حزب بارزانی، حزب دمکرات شاخه مصطفی هجری و... در کنار دولت های ترکیه و عربستان ایستادند و اتحادیه میهنی و پ ک ک و حزب دمکرات جناح خالد عزیز، در کنار جمهوری اسلامی.

در این شرایط، تشدید تخاصمات میان قطب عربستان و جمهوری اسلامی، خونی در رگهای رهبری حزب دمکرات کردستان ایران شاخه مصطفی هجری، به عنوان حزب خواهر بارزانی، که خود را از

برکات دیروز دخالت ناتو و پروژه های رژیم چینج در ایران و الطاف امروز جمهوری اسلامی بی نصیب دیده است، به جریان انداخته است. تحرک نظامی غیرمترقبه حزب دمکرات که بیش از دو دهه بدون کمترین فعالیت نظامی در اردوگاههای خود در کردستان عراق در انتظار فرصتی بود، تنها در متن این اوضاع ممکن شده است.

مستقل از دامنه و سطح رابطه و همکاری حزب دمکرات با قطب عربستان سعودی، که غالباً در هاله ای از دیپلماسی سری و در پرده ابهام باقی میماند، امید این حزب به تخاصمات دو دولت تا مغز استخوان جنایتکار ایران و عربستان، آنهم با توجیه "دفاع" از مبارزات مردم کردستان، سراپا ارتجاعی است.

این تحرک، فعالیتی در چارچوب تلاشهای دو قطب ایران و عربستان در هرچه نا امن تر کردن منطقه در راستای منافع خود است. تلاشی که نتایج مستقیم آن به خطر افتادن زندگی، امنیت و آسایش شهروندان این کشورها، تحکیم حاکمیت ارتجاع و افزایش فضای پلیسی علیه مردم آزادیخواه و تعمیق شکاف و انشقاق قومی و ملی و مذهبی بین شهروندان است. نتیجه این سیاست مستقیماً در خدمت جمهوری اسلامی برای عقب راندن مبارزه عدالتخواهانه مردم در کردستان، و ابزاری برای توجیه ملیتاریزه کردن هر چه بیشتر این جامعه است.

در اینکه جمهوری اسلامی عامل اصلی ملیتاریزه کردن کردستان و ناامن کردن محیط کار و زندگی مردم متمدن در ایران است، شکی نیست. در اینکه مبارزه طبقه کارگر و مردم محروم برای براندازی جمهوری اسلامی قابل دفاع و برحق است، تردیدی نیست. در اینکه مبارزه سیاسی در کردستان با اسلحه گره خورده است و مبارزه مسلحانه بخشی از مبارزه سیاسی برحق مردم علیه جمهوری

اسلامی است تردیدی نیست. اما هر نوع امید بستن به "موشدوانی" های عربستان، هر نوع همکاری و بند و بست با دولتهای مرتجع منطقه و هر نوع اقدامات تروریستی، انفجارات و اعمال انتحاری امثال مجاهد و فرقه های قومی و مذهبی، مستقیماً در خدمت جمهوری اسلامی و علیه مبارزات آزادیخواهانه مردم ایران و علیه اتحاد و همسرنوشتی طبقه کارگر و مردم در این جامعه، است. هم ملیتاریزه شدن کردستان و گسترش سرکوب و خفقان به بهانه آن، و هم تحرک ریاکارانه حامیان دولت روحانی با پرچم دروغین "دمکراسی خواهی" و "دوری از خشونت" و "مبارزه مدنی"، همه و همه علیه مبارزه رادیکال و انقلابی مردم برای سرنگونی جمهوری اسلامی و در مقابل خواست های برحق مردم در کردستان و در سراسر ایران است.

چرخش امروز حزب دمکرات، به عنوان یک حزب اجتماعی در جنبش ناسیونالیستی کرد، مستقل از لطمات آن بر اپوزیسیون مترقی جمهوری اسلامی، نشانه هایی از تغییری اساسی در جایگاه این حزب، از یک حزب اجتماعی به نیرویی غیر مسئول در سناریوی سیاهی است که برای کردستان طرح ریزی شده، است.

حزب حکمتیست (خط رسمی) مردم ایران و خصوصاً مردم کردستان و نیروهای سیاسی مسئول را نسبت به کشیده شدن تخاصمات عربستان و ایران به کردستان و عواقب خطرناک آن هشدار میدهد.

باید خطر این سناریو را با توجه به گسترش جنگهای قومی و مذهبی در خاورمیانه، که با صرف هزینه های سنگین توسط ارتجاع محلی و دولتهای امپریالیستی مهندسی شد، جدی گرفت.

حزب حکمتیست (خط رسمی) مردم کردستان و کل نیروهای سیاسی را به

اتخاذ یک سیاست روشن و مسئولانه در قبال این اوضاع و به دفاع از مبارزات مستقل و آزادیخواهانه مردم ایران علیه جمهوری اسلامی و علیه هر دولت ارتجاعی که به بهانه نفرت آنها در تلاش تحمیل سناریوی سیاه به جامعه است، فرامیخواند.

حزب حکمتیست (خط رسمی) تأمین ابتدایی ترین حقوق مردم ایران، ابتدایی ترین آزادیهای سیاسی، مدنی، رفاهی و... را در گرو سرنگونی جمهوری اسلامی میداند. جمهوری اسلامی را باید با قدرت طبقه کارگر و مردم محروم انداخت. نیروی این سرنگونی نه دول مرتجع عربستان قطر و ترکیه و متحدین آنها، که نیروی طبقه کارگر آگاه و صف انسانهای شرافتمندی است که برای دست یابی به زندگی انسانی و مرفه، آزاد و سعادتمند لحظه شماری میکنند.

مرگ بر جمهوری اسلامی

زنده باد انقلاب کارگری

حزب کمونیست کارگری - حکمتیست  
(خط رسمی)

۱۸ ژوئیه ۲۰۱۶

مشور "رفاه، آزادی و

امنیت مردم

ایران را

بدست گیرید!

زنده باد سوسیالیسم!

مرگ بر جمهوری اسلامی!

## این گشتی از روز اول سوراخ بود!

فوار عبداللهی

رفسنجانی در سالگرد "برجام" هشدار داد که "سوراخ کردن کشتی انقلاب همه را غرق میکند.."

هشدار رفسنجانی بجاست! "برجام" برای اکثریت مردم محروم ایران توزرد از آب در آمد و رشته اش پنبه شده است. دیگر باید چه کارتی رو کنند و چه سیاستی بخرج دهند که دوباره بداد ماندن رفسنجانی ها، خامنه ای ها و کل هیت حاکمه بورژوازی ایران برسد. برآستی پاسخ اینها به مردم بعد از آن همه هیاهو بر سر "گشایش اقتصادی و سیاسی" و پوچ بودن این ماجرا چیست؟! "بیچاره" رفسنجانی و امثال نگهدار و حاج آقا بهنود و آیت الله بی بی سی که الگوهای رشد و توسعه شان در سطح جهانی - اقتصاد بازار و پارلماناریسم - پشتشان رو به دیوار است. جمهوری اسلامی دیر به قافله بازار رسید. بازاری که ایدولوژی و اقتصادش تا خرخره در

بحران است. صد تا برجام هم معضلات پایه ای و منطقه ای این جمهوری را حل نخواهد کرد. این رژیم بر متن نامسنی منطقه و گرو گرفتن نان و آزادی مردم به حیات ننگینش ادامه میدهد. این تمام داستان "دولت معطوف به داخل مرزهای ایران" است و تنها و تنها بر این اساس به عنوان دولت اعاده نظم بورژوازی از جانب غرب تجهیز شده است.

اما دوران پسا برجام برای طبقه کارگر و اکثریت مردم ایران دوران توقعات فروکوفته و طلبکاری عمومی در برابر رژیم را به میدان میآورد. وخامت اوضاع اقتصادی نیازی به تعریف ندارد. خرابی وضع خدمات، ابعاد بیکاری، فساد در دستگاه حکومت، گسترش اعتیاد و فحشاء، سرکوب آزادی های سیاسی و اجتماعی، بعنوان نشانه های ویران شدن مملکت اکنون توسط خود عاملین و مسببین آنها کشف میشود. انگشتهای اتهام به سوی همدیگر نشانه می روند. به صدا درآمدن کوس ورشکستگی رژیم توسط امثال رفسنجانی، فراخوانی است به نیروهای واقعی جامعه که برای تعیین تکلیف بر سر مسایل گریبانگیر وارد عمل شوند. رفع همه محدودیت های سیاسی، بازگرداندن حقوق پایمال شده اجتماعی و سیاسی مردم، رسمیت یافتن برابری زن و

مرد، حق تشکل، اجتماع و فعالیت و ابراز اراده سیاسی و اجتماعی، این مطالبات اکثریت جامعه ایران به ضرورتی اجتناب ناپذیر تبدیل شده است. چند و چون دوره پسا برجام را دیگر کشمکشهای جناح های جمهوری اسلامی تعیین نخواهد کرد. این تحولات میتواند و باید همه جا نشان و مهر مستقل کمونیستها و طبقه کارگر ایران را بر خود داشته باشد. دوران پیوستن و تقویت این صف است. صف هر آدم معترض به سرمایه داری که فکر میکند این دنیا در شان آدمیزاد نیست، که بدون جمهوری اسلامی دنیای بهتری است، صف هر انسانی که زیر بار فشار زندگی روزمره فراموش نمیکند که حکومت کارگری ممکن است، که پیروزی قطعی کارگر و کمونیسم بر سرمایه داری و ارتجاع ممکن است. هموار کردن راه کنار زدن جمهوری اسلامی و سرنگونی آن برای به کرسی نشاندن مطالبات عمیق انسانی و ایجاد گشایشی واقعی در زندگی توده های وسیع مردم تنسها امر ما کمونیستهاست. بر پایی حکومت کارگری تنها ضامن افسار زدن به حاکمیت استبداد بورژوازی و تامین نان و آزادی است.

آنچه ما کمونیستها در مورد یک دنیای

عاری از ناسیونالیسم، مردسالاری، مذهب و جنگ و گرسنگی و بردگی مزدی میگوییم، شدنی است. امکانانش حی و حاضر در جامعه ای شبیه ایران به وفور هست؛ میزان عملی شدنشان در گرو مبارزه متحد و متحزب ما و طبقه ما است. حکومت آینده ما با غرق کردن کشتی بورژوازی ایران و در راس آن جمهوری اسلامی، و برپایی حکومت کارگری دست به اجراشان خواهد زد.

امثال رفسنجانی و کل اردوی بورژوازی ایران از پتانسیل عظیم نهفته در طبقه کارگر ایران، از قدرتی که این طبقه در واژگونی نظم و نظام سرمایه در خود دارد، بخوبی آگاه اند؛ انقلاب ۵۷ ایران و اعتصاب قدرتمند کارگران نفت این درس را به آنها داد. سوال اینست که آیا طبقه کارگر ایران کماکان این قدرت و این پتانسیل را در خود و اینبار برای خود میبیند؟ آیا تنه خود را به نبردهای سیاسی بزرگ می زند؟ این ماییم که باید برای این آینده برنامه بریزیم، دقایق و لحظات گوناگون آن را به جلو برانیم. این ماییم که باید موانع سیاسی، فکری و تشکیلاتی این پیشروی را بکوییم و برای ایفای نقش این نیروی عظیم اجتماعی یعنی طبقه کارگر و کل جامعه راه باز کنیم. حزبتان را بدست بگیرید!

### "داعش را گرفتیم ..."

شرکت ها و صنایع و بازرگانی ای که هیچ قانون و موازینی بر کار و عملکردشان ناظر نیست. حتی به پرداخت کامل حقوق و دستمزدهایی که خود توافق کرده اند پایبند نیستند. نامنی بدلیل تروریسم نسبت به نامنی های اقتصادی و سیاسی و اجتماعی ده ها میلیون خانواده های کارگر و مردم زحمتکش ایران پوچ و سناریویی به شدت ریاکارانه است.

دشمنان طبقه کارگر که بیش از سه دهه است نان سفره و آزادی و حرمت جامعه را گرو گرفته و جامعه را به فلاکت و گرسنگی و فقر و فحشا و بیکاری و اعتیاد رسانده اند، اکنون می آیند و لباس حافظ امنیت جامعه در مقابل

تروریسم می پوشند. این ها آمده اند به مردم بگویند شکر خدا ایران امن است و این بالاتر از اقتصاد و سیاست و بالاتر از ستم و تبعیض و استثمار و شکاف طبقاتی است که ما به شما تحمیل کردیم. می خواهند دو نسل دیگر را همینطوری فقیر و گرسنه نگه دارند چون خدا را شکر مملکت امن است و اینجاست سوره و لبنا ن نیست...

جمهوری اسلامی و همه دولت‌های بورژوازی امنیت را از زاویه منفعت طبقه شان، طبقه سرمایه دار می بینند و برای ان هر کاری بخواهند می کنند. از راه انداختن جنگ تا ترور و کشتار و سرکوب و تهدید و زندان. هر اعتراض و مبارزه ای علیه شکاف طبقاتی و فقر و گرسنگی را با حساسیت تمام سرکوب

می کنند تا امنیت سرمایه و سود تضمین شود.

این ها دو راهی، "به جمهوری اسلامی رضایت بدهید و گرنه ایران سوریه می شود" را با انگشت به مردم نشان می دهند و جامعه را به سکوت می کشانند. اینها تنها در سکوت جامعه است که می توانند امنیت قدرت و ثروتشان را تامین کنند.

امنیت را مردم بهتر از هر کس تامین می کنند. مردمی که برای ایفای نقش امنیت اقتصادی سیاسی و اجتماعی خود باید قوی شوند. باید متشکل و متحد شوند و ابزار ریاکارانه مبارزه با تروریسم و شعار "داعش را گرفتیم" را از دست جمهوری اسلامی بگیرند.

تامین رفاه و آزادی و امنیت بدون به

میدان آمدن و قوی شدن طبقه کارگر ممکن نیست. دستمزد و بیمه بیکاری و حق بازتستگی را بخوای می گویند نیست. اما مردم در مقابل چشمان خود می بینند که مولتی میلیاردهای سپاهی و دولتی و خصوصی چطور زندگی می کنند و می پرسند چرا برای آنها هست اما برای ما نیست. چرا همه چیز و از جمله امنیت آنها مهیا است اما برای ما مردم نیست...!!

جواب این سوال رانبااید از جمهوری اسلامی توقع داشت. جواب در داستان قدرتمند طبقه کارگر و مردم زحمتکش و همه ازادیخواهان جامعه از زن و مرد است. جواب این است که باید قوی شد، متحد شد و خود رفاه، آزادی و امنیت جامعه را تامین و تضمین کرد.

**کودتا در ترکیه ...**

این کودتای ناکام هرچند بر عمر حاکمیت اردوغان و حزب اسلام گرای او افزود و به قدرت حاکم بهانه دیگری برای گسترش سرکوب ها و مختنق کردن و میلیتاریستی کردن ترکیه را داد، اما همزمان بحران سیاسی در این کشور را تعمیق کرد. اردوغان و حزب اش این کودتا را هم از سر گذراندند اما بحران سیاسی در ترکیه، کشمکش دولت اولتر ارتجاعی- اسلامی و فاشیستی اردوغان با طبقه کارگر، تناقضات میان دولت ترکیه و ناسیونالیسم ترکیه که امروز خود را در قامت ارتش نشان داد، حادثه از قبل ادامه خواهد داشت. تناقضاتی که بر متن ناکامی های اردوغان چه در جدالهای درونی و چه در کشمکشهای منطقه ای و موقعیت ضعیف ترکیه در خاورمیانه، کماکان ادامه خواهد داشت. این کودتای هرچند ناکام حاکمی از موقعیت بحرانی و متزلزل دولت اردوغان در میان خود بورژوازی ترکیه است. تعویق چند ساله پیوستن ترکیه به اروپای واحد جدال در صفوف بورژوازی ترکیه را حادثه خواهد کرد. دولت اردوغان پس از این کودتا علیرغم تشدید سرکوب و استبداد داخلی، در رابطه با رقبای منطقه ای در موقعیت ضعیفتری قرار میگیرد.

موقعیت استراتژیک ترکیه، به این کودتا و تحولات پس از آن ابعاد غیر قابل پیش بینی و فرا ترکیه ای خواهد داد. عضویت ترکیه در ناتو، مسئله پیوستن آن به اتحادیه اروپا، شکاف های منطقه ای بین دولت های ایران و عربستان سعودی و ترکیه، و میدان باز فعالیت افسارگسیخته انواع دستجات تروریست قومی و مذهبی از داعش تا دستجات شیعه و جهاد و ... ، خاورمیانه را بیش از پیش بحرانی میکند، و باطلاق به جای مانده از دخالت های میلیتاریستی ناتو و دولت های غربی را بیش از پیش به منجانب بمب و ترور و تعفن قومی و مذهبی تبدیل می کند.

فردای پس از این کودتا، شرایط برای قدرت های حاکم جهت گسترش

میلیتاریسم، تحمیل اختناق بیشتر و سرکوب های گسترده تر در این کشور و سایر کشورهای منطقه به بهانه امنیت، مهیا تر میشود.

عقب نشینی دولت های غربی از خاورمیانه بدنبال ناکامی هایشان و بعد از ویرانی چند کشور و خانه بدوش کردن میلیونها انسان و سپردن سرنوشت آن بدست رقابت و تخصصات قدرت های منطقه، سناریوی سیاه در خاورمیانه را سیاه تر کرده و می کنند. سپردن خاورمیانه به جدال قدرت بین ایران و عربستان و ترکیه، بر متن رفع موانع دخالت های سیاسی و نظامی روسیه، باطلاق و سناریو سیاه محصول دور قبل در دهه میلیتاریسم غرب را سیاه تر از گذشته اش میکند.

این چهره کریه دنیای امروز ما است، هنوز خون ۲۵۰ نفر در یک عملیات بمب گذاری در بغداد خشک نشده است که قتل عام نیس و کودتا در ترکیه میرود فاز دیگری از بحران را تکمیل کند. بدون شک عاملین و مسببین این اوضاع دولتهای امپریالیستی، قدرت های مرتجع منطقه ای از مدل اردوگانی و جمهوری اسلامی تا مدل قطر و شیوخ سعودی اند. مرتجعینی که بر بستر گورستانی کردن خاورمیانه، "امنیت" و موقعیت سیاه خود را تحمیل کرده اند. اینها قدرت های برتر چنین اوضاعی اند. امروز و بدنبال کودتای شکست خورده ترکیه، مردم محروم این جامعه، طبقه کارگر و بشریت متمدن ترکیه بار دیگر با تعرض دولت فاشیست اردوغان، دولتی که خود از کودتاچی ها کودتاچی تر است طرف خواهند شد. نباید گذاشت ناکامی های اردوغان مبنای قدرتیگری بخش دیگری از بورژوازی ترکیه شود. ضعف امروز اردوغان باید با قدرتیگری طبقه کارگر به شکست نهایی آن و پایان دادن به حاکمیت ارتجاعی و فاشیستی بورژوازی در ترکیه منجر شود.

برای ما و میلیونها انسان تشنه آزادی، امنیت و رفاه و خوشبختی اما سناریو متفاوت است. نسخه امنیت ما، نسخه امنیت انسانی، انقلابی و کمونیستی

**امنیت؛**

**بخشی از منشور "رفاه، آزادی و امنیت مردم ایران"**

رفاه و آزادی بدون احساس امنیت، بدون زندگی در شرایطی امن، که در آن شهروندان در هراس از فقر، جنگ و تخریب، و بدون هراس از بدتر شدن اوضاع، به هر سرنوشتی که سرمایه برای آنها رقم میزند تسلیم نشوند، ممکن نیست.

بدون احساس امنیت و برخورداری از امنیتی سالم و انقلابی، که در دل آن شهروندان بتوانند رفاه و آزادی را تجربه کنند، تحقق مطالبات برحق مردم ممکن نیست. این حکم امروز بخصوص، در شرایطی که جهان سراسر به میدان تعرض تروریسم دولتی و غیردولتی تبدیل شده است، بیش از پیش صدق میکند. حزب کمونیست کارگری - حکمتیست مدافع برچیدن ارتش و نیروهای مسلح حرفه ای، انحلال ارتش و سپاه پاسداران و نیز کلیه سازمان های نظامی و انتظامی و جاسوسی و اطلاعاتی مخفی است.

- حزب حکمتیست دفاع و امنیت را وظیفه نیروی مسلح مردم، متشکل در کمیته های محل کار و زیست، مبتی بر آموزش نظامی عمومی و شرکت همگانی در امور انتظامی و دفاعی، و جایگزین آن با ارتش حرفه ای و مافوق مردم میداند.

- حزب حکمتیست برای فراهم کردن شرایط دفاع، مسلح و غیرمسلح، علاوه بر کمیته های محل کار و زیست، برای شکل گیری گارد آزادی، مسلح و غیر مسلح، فعالیت میکند.

- با این وجود مادام که نیرویهای مسلح وجود دارند موازین زیر باید برقرار گردند:

- ۱- اطاعت بی چون و چرای پایین از بالا در نیروهای مسلح لغو شود. هر فرد نظامی حق دارد از اجرای دستوراتی که به نظر او با قوانین کشور در تناقض باشد یا با اصول انسانی و وجدانی وی مغایرت داشته باشد امتناع کند.
- ۲- هر کس حق دارد از شرکت در جنگ و یا هر فعالیت نظامی که با اصول اعتقادات وی مغایر است، امتناع کند.
- ۳- نیروهای انتظامی باید در حین ماموریت و انجام وظیفه، اونیفورم نظامی خود را به تن داشته باشند و اسلحه خود را به نحوی حمل کنند که دیده شود.
- ۴- تشکیل نیروی مسلح فاقد اونیفورم و یا انجام ماموریت بعنوان پلیس مسلح در لباس سیویل ممنوع است.
- ۵- لغو دیپلماسی سری
- ۶- ممنوعیت ورود کشور به پیمان های ضد مردمی، نظامی، سلطه طلبانه و سرکوبگرانه
- ۷- ممنوعیت گسترش میلیتاریسم، دخالت نظامی میلیتاریستی در کشورهای منطقه، ممنوعیت مسلح کردن دسته های قومی و مذهبی.

است. تنها طبقه کارگر و کمونیست های این طبقه با تکیه بر قدرت و موقعیت کلیدی خود در نظام تولیدی معاصر میتوانند ورق را به نفع بشریت برگردانند. قدرت گرفتن کمونیسم تنها راه خاتمه دادن به نا امنی در سراسر جهان است.

حزب کمونیست کارگری - حکمتیست  
(خط رسمی)  
۱۶ ژوئیه ۲۰۱۶

**حکمتیست را توزیع کنید**

www.hekmatist.com  
سردبیر: فواد عبداللہی  
fuaduk@gmail.com  
تماس با حزب  
hekmatistparty@gmail.com